



«طلاق عاطفی» میان آمریکا و اسرائیل / آمریکا حاضر به خطر کردن در موضوع ایران نیست

رئیس مرکز مطالعاتی استراتفور طی مقاله‌ای به بررسی روابط آمریکا و اسرائیل پرداخت و نوشت که رابطه میان واشنگتن و تل‌آویو همانند زوجی است که از یکدیگر خسته شده‌اند اما از یکدیگر جدا نشده‌اند.

اندیشکده #171؛ استراتفور؛ گزارش داد

#171؛ طلاق عاطفی؛ میان آمریکا و اسرائیل / آمریکا حاضر به خطر کردن در موضوع ایران نیست

رئیس مرکز مطالعاتی استراتفور طی مقاله‌ای به بررسی روابط آمریکا و اسرائیل پرداخت و نوشت که رابطه میان واشنگتن و تل‌آویو همانند زوجی است که از یکدیگر خسته شده‌اند اما از یکدیگر جدا نشده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فارس، #171؛ جورج فریدمن؛ موسس و رئیس مرکز مطالعاتی #171؛ استراتفور؛ طی مقاله‌ای که پایگاه اینترنتی استراتفور اقدام به انتشار آن کرد، نوشت: #171؛ باراک اوباما؛ رئیس جمهور آمریکا در حال انجام اولین سفر خود به اسرائیل است. این سفر در حالی انجام می‌شود که اوباما برای دومین بار به عنوان رئیس جمهور آمریکا انتخاب شد و کابینه اسرائیل نیز تحت نخست وزیری بنیامین نتانیاو تشکیل شده است. به طور معمول، دیدارها میان اسرائیل و آمریکا همیشه مملو از موضوعات سیاست خارجه است و انتظار می‌رود در دیدار آتی نیز موضوعات بسیاری از جمله ایران، سوریه و مصر مورد بررسی قرار گیرد.

جورج فریدمن در ادامه مقاله خود نوشت: اما این نشست در فضای جالبی انجام می‌شود چون هم اسرائیل و هم آمریکا علاقه کمتری به موضوعات امنیتی و خارجی داشته و بیشتر به موضوعات داخلی توجه دارند. در آمریکا بحران سیاسی به دلیل بودجه فدرال و نزاع‌ها درباره رشد اقتصادی و کاهش بیکاری توجه رئیس جمهور و کشور را به خود معطوف کرده است. در اسرائیل نیز، انتخابات باعث شعله‌ور شدن موضوعات داخلی شده و موضوعات مختلفی از جمله ضرورت انجام خدمت سربازی توسط اولتر-ارتدوکس‌ها همانند دیگر شهروندان و افزایش ستیزها درباره نابرابری اقتصادی در اسرائیل از مهمترین موضوعات داغ در اسرائیل است.

آمریکا و اسرائیل درگیر موضوعات داخلی هستند

این محقق آمریکایی اضافه کرد: توجه به موضوعات داخلی چرخه معمولی است که در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد. سیاست خارجی دستورالعمل همیشگی نبوده و به طور متناوب اهمیت خود را از دست می‌دهد. چیزی که در این نقطه جالب بوده، این است که در حالی که اسرائیلی‌ها نگرانی خود درباره سیاست خارجی را ابراز می‌دارند آنها درگیر موضوعات داخلی اجتماعی خود هستند. به طور مشابه نیز، اگر چه آمریکا همچنان در حال ادامه دادن جنگ در افغانستان است اما مردم آمریکا به طور گسترده‌ای بر روی موضوعات اقتصادی تمرکز کرده‌اند. تحت این شرایط موضوع جالب توجه این نیست که اوباما و نتانیاو درباره چه چیزی صحبت خواهند کرد بلکه این است که موضوعاتی که آنها درباره آن بحث می‌کنند تا چه اندازه‌ای مهم است.

استراتژی جدید آمریکا

رئیس مرکز مطالعاتی استراتفور در ادامه مقاله خود به استراتژی جدید واشنگتن اشاره کرد و نوشت: برای آمریکا، تمرکز بر روی موضوعات داخلی با تغییر استراتژی‌های در حال ظهور چگونگی تعامل آمریکا با جهان ترکیب شده است. پس از یک دهه که آمریکا تمرکز خود را بر روی جهان اسلام قرار داده بود و اقدامات خشونت‌باری برای کنترل تهدیدها در این منطقه به کار گرفت، آمریکا در حال حرکت به موضع مختلفی است. مخالفت‌ها درباره مداخله نظامی افزایش یافته است بنابراین آمریکا خود را از مداخله نظامی در بحران سوریه دور نگه داشته و زمانی که فرانسه در مالی مداخله کرد سعی کرد که نقش پشتیبان را ایفا کند. در مداخله نظامی در لیبی، زمانی که فرانسه و انگلیس آمریکا را وارد نبرد کردند، برای نخستین بار ارزیابی مجدد استراتژی واشنگتن آشکار شد.

آمریکا فهمیده هرگونه مداخله نظامی هزینه و عواقب ناشناخته‌ای دارد

جورج فریدمن نوشت: تمایل برای کاهش مداخله نظامی در منطقه در پی جنگ لیبی حاصل نشد. این تمایل به دلیل تجربه جنگ عراق حاصل شد که آمریکا به این درک رسید که رها شدن از هر رژیم ناخوشایند ضروری نبوده و الزاما به ایجاد رژیم بهتری منتهی

نمی‌شود. با وجود موفقیت نسبی در لیبی، اما این جنگ نیز نشان داد که هرگونه مداخله نظامی عواقب پیش‌بینی نشده و هزینه‌های برآورد نشده‌ای به همراه خواهد داشت.

وی در ادامه مقاله خود نوشت: موضع جدید آمریکا باید اسرائیلی‌ها را به وحشت بیاندازد. در استراتژی بزرگ اسرائیل، آمریکا ضامن نهایی امنیت ملی آن بوده و حفاظت از بخشی از دفاع ملی اسرائیل را متعهد شده است. اگر آمریکا خود را کمتر متمایل به مداخله در ماجراجویی‌های منطقه‌ای نشان دهد، سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا ضمانت تلویحی آمریکا از اسرائیل همچنان پایدار باقی خواهد ماند. موضوع این نیست که آیا آمریکا برای حفظ موجودیت اسرائیل مداخله خواهد کرد و آن را از ایران مجزأ به سلاح هسته‌ای محافظت کند، چون هیچ‌گونه تهدید وجودی برای منافع ملی اسرائیل وجود ندارد. بلکه سوال این است که آیا آمریکا این آمادگی را دارد که به شکل دادن پویایی منطقه، جایی که اسرائیل فاقد نفوذ سیاسی بوده و قادر به اعمال کنترل سیاسی نیست، ادامه دهد.

چالش‌های اسرائیل

رئیس مرکز مطالعاتی استراتفور نوشت: در این نقطه چالش اسرائیل این است که قادر نیست کار زیادی را در منطقه تحت مسئولیت خود انجام دهد. به طور مثلاً، بعد از رابطه با آمریکا، دومین رابطه بسیار مهم استراتژیک، پیمان صلح با مصر است. پس از سرنگون شدن 171#&؛ حسنی مبارک؛ رئیس‌جمهور مصر، این نگرانی حاصل شد که ممکن است جنگ بار دیگر بروز کند. اما مهمترین موضوع شوکه‌آور آن است که اسرائیل تا چه میزان اندکی بر روی حوادث مصر و رابطه‌اش با این کشور کنترل دارد. با توجه به رابطه خود اسرائیل با ارتش مصر و با توجه به این موضوع که ارتش مصر همچنان قدرتمند است، پیمان صلح با اسرائیل همچنان باقی مانده است اما قدرت ارتش به تنهایی پارامتری برای دوام این پیمان به شمار نمی‌آید. دوام پیمان صلح یا لغو آن، موضوعی است که اسرائیل کنترل زیادی بر روی آن ندارد.

وی اضافه کرد: اسرائیلی‌ها همیشه اینگونه می‌پنداشتند بر مناطقی که فاقد کنترل هستند، آمریکا کنترل کافی را دارد و برخی‌ها در اسرائیل آمریکا را محکوم کردند که چرا حوادث در مصر را مدیریت نکرد اما واقعیت این است که آمریکا ابزارهای اندکی برای کنترل انقلاب در مصر داشته است. برخی کمک‌های مالی و رابطه با ارتش مصر تنها ابزارهای آمریکا در این کشور است.

وی در ادامه نوشت: نخستین پاسخ اسرائیل آن است که آمریکا باید اقداماتی را در رابطه با چالشی که اسرائیل با آن مواجه است انجام دهد.

اوضاع سوریه برای اسرائیل بسیار پیچیده است

جورج فریدمن ادامه داد: اوضاع در سوریه حتی پیچیده‌تر است و اسرائیل هنوز به یقین نرسیده است که نتیجه رویدادها در سوریه مطلوب خواهد بود. 171#&؛ بشار اسد؛ رئیس‌جمهور سوریه یک کمیت شناخته شده برای اسرائیل است. سوریه دوست اسرائیل نیست اما اقدامات بشار اسد و پدرش همیشه در راستای پیگیری منافع خود بوده و بنابراین قابل پیش‌بینی هستند. اما مخالفان تشکیلات غیر شفاف هستند که توانایی برای اداره آنها سوال‌برانگیز است. هنوز مشخص نیست که آیا اسرائیل خواستار سرنگونی اسد یا بقای وی است. در هر صورت اسرائیل برای هر اقدامی محدودیت دارد. هر دو نتیجه ترس‌هایی را برای اسرائیل به همراه دارد. در واقع، کمک تسلیحاتی آمریکا به مخالفان بسیار بیشتر اسرائیل را از عدم کمک به آنها نگران می‌کند.

واضح است که اسرائیل اقدام یکجانبه‌ای را علیه ایران اتخاذ نمی‌کند

جورج فریدمن به موضوع ایران نیز اشاره کرد و نوشت: موضوع ایران نیز به همان اندازه پیچیده است. واضح است که اسرائیل با وجود لفاظی‌های خود، اقدام یکجانبه‌ای را علیه ایران اتخاذ نخواهد گرفت. خطرات شکست بسیار زیاد بوده و پیامدهای اقدامات تلافی‌جویانه ایران علیه منافع اساسی آمریکا همانند قطع جریان نفت از تنگه هرمز بسیار چشمگیر است. دیدگاه آمریکا این است که سلاح هسته‌ای ایران خطر فوری نبوده و توانایی ایران برای تولید سلاح هسته‌ای سوال‌برانگیز است. بنابراین بدون توجه به آنچه که اسرائیل می‌خواهد و با توجه به دترین آمریکا که تنها به عنوان آخرین گزینه به راه‌حل نظامی مراجعه می‌کند، اسرائیلی‌ها قادر نیستند که به آمریکا برای شکل دادن به منطقه دل ببندند.

تغییر روابط

واقعیت این است که روابط اسرائیل و آمریکا در حال تغییری ماهرانه است. اسرائیل توانایی خود برای شکل دادن رفتار کشورهای اطراف خود را ندارد. مصر و سوریه هر آن چه را که دوست دارند انجام می‌دهند. در همان زمان نیز آمریکا تمایل خود برای مداخله

نظامی در درگیری منطقه‌ای گسترده را از دست داده و ابزارهای سیاسی محدودی دارد. کشورهای نظیر عربستان سعودی که امکان دارد تمایل دارند با استراتژی آمریکا هم‌ردیف بشوند، خود را در موقعیتی قرار داده‌اند که تلاش می‌کنند استراتژی خود را تشکیل دهند.

برای آمریکا هم اکنون به جای خاورمیانه، موضوعات مهم دیگری نظیر اقتصاد داخلی وجود دارد. در حال حاضر توجه آمریکا به موضوعات داخلی منعطف شده است چون در شکل دادن جهان اسلام به خوبی عمل نکرد. از دیدگاه اسرائیل، امنیت ملی در خطر قرار ندارد و توانایی آن نیز برای کنترل محیط امنیتی محدود است. همچنین توانایی آمریکا برای واکنش دادن در منطقه به دلیل تغییر تمرکز آمریکا در حال تغییر است.

اسرائیل تمایلی برای ایجاد راه‌حل سیاسی برای موضوع فلسطین ندارد

وی اضافه کرد: موضوع فلسطین نیز همیشه وجود داشته است. سیاست اسرائیل همانند بسیاری از سیاست‌های استراتژیک خود آن است که صبر کند و نظاره‌گر باشد. اسرائیل هیچ تمایلی برای ایجاد حل سیاسی برای موضوع فلسطین ندارد چون نمی‌تواند پیش‌بینی کند که چه نتایجی در پی خواهد داشت. سیاست اسرائیل آن است که ابتکارها درباره موضوع فلسطین را نادیده بگیرد. ماه گذشته، این گمانه‌زنی وجود داشته که افزایش اعتراض‌ها در کرانه باختری ممکن است به شعله‌ور شدن انتفاضه سوم منتهی شود. همچنین این امکان وجود دارد که بار دیگر پرتاب موشک از سوی نوار غزه آغاز شود. این تصمیمی است که توسط حماس اتخاذ خواهد شد.

این محقق آمریکایی در ادامه مقاله خود نوشت: در مذاکرات اوپاما و نتانیاهو، حتما موضوع ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت و اوپاما نیز خواهد گفت که ایران تهدید فوری نیست که نیاز به خطر کردن داشته باشد و نتانیاهو نیز به دنبال راهی خواهد بود که آمریکا را متقاعد کند که در مدت زمان مناسبی اقدامی را اتخاذ کند، درخواستی که آمریکا آن را رد خواهد کرد.

جورج فریدمن در پایان نوشت: من انتظار دارم که در نشست‌های خصوصی، واکنش‌های تندخویانه‌ای وجود داشته باشد اما در عموم رفتارهای دوستانه مشتاقانه وجود خواهد داشت. این رابطه همانند زوج خسته شده از هم است که به طلاق نزدیک نیستند اما از دوران رابطه جوانی خود فاصله دارند. هر دو طرف معتقدند که مشکلات در نتیجه اشتباهات طرف دیگر بوده است. در پایان نیز هر یک سرنوشت خود را دارند که به تارخچه یکدیگر مرتبط بوده اما برای مدت زمان طولانی متحد باقی نخواهند ماند.